

## سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در کلان شهر تهران

سید احمد فیروزآبادی\*، حسین ایمانی جاجرمی\*\*

**طرح مسأله:** سؤال محوری این مقاله این است که آیا بین سرمایه اجتماعی و عناصر تشکیل دهنده آن در سطح تحلیل مناطق و میزان توسعه یافتگی مناطق، در شهر تهران رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟

**روش تحقیق:** در این پیمایش، جامعه آماری، جمعیت شانزده سال به بالای مناطق تهران است که با نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب با حجم ۱۷۵۹ نفر در سطح مناطق بیست و دوگانه شهر تهران انتخاب گردیده‌اند.

**یافته‌ها:** در بخش یافته‌ها نمره سرمایه اجتماعی و هفت عنصر مفهومی آن شامل آگاهی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت رسمی، مشارکت غیررسمی، خیریه‌ای، مشارکت غیررسمی همیارانه و مشارکت غیررسمی مذهبی محاسبه گردیده است و در ارتباط با وضعیت توسعه مناطق قرار گرفته است.

**نتایج:** سرمایه اجتماعی مناطق، رابطه مثبتی با توسعه مناطق شهری در تهران دارد و مناطق توسعه یافته‌تر از میزان بیشتری از اعتماد عمومی، آگاهی، مشارکت رسمی و مشارکت‌های غیر رسمی همیارانه برخوردارند و به گونه معناداری مشارکت غیررسمی مذهبی کمتری دارند و اعتماد نهادی و مشارکت‌های غیررسمی خیریه‌ای، در همه مناطق به صورت یکسان بوده و تفاوت معناداری نداشت.

**کلیدواژه‌ها:** اعتماد، توسعه، تهران، سرمایه اجتماعی، مشارکت

تاریخ پذیرش: ۱۵/۱۲/۵

تاریخ دریافت: ۱۵/۵/۴

\* دکتر جامعه‌شناسی توسعه، عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

<Afirouzabadi@ut.ac.ir>

\*\* دکتر جامعه‌شناسی توسعه، عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

## مقدمه

توجه به «سرمایه اجتماعی»<sup>۱</sup> در حوزه مطالعات دانشگاهی از ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی به این سو بسیار گسترش یافته و آثار زیادی درباره آن در قالب ترها، تحقیقات، کتاب ها و مقالات در رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، رفاه اجتماعی و علوم تربیتی پدید آمده‌اند (بوگلسجیک و ون شایک، ۲۰۰۵). در چند سال اخیر این مفهوم علمی وارد زبان و زندگی روزمره شده است. در نشریات، سخنرانی‌های سیاسی و اجتماعی اشارات مکرری به آن می‌رود و تصور پیامدهای مثبت ناشی از سرمایه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته چنان گسترش یافته که عموم بر این نظرند که این پدیده می‌تواند بسیاری از مشکلات جامعه را درمان کند.

ایده‌ای که مفهوم سرمایه اجتماعی از آن سخن می‌گوید با وجود شهرت اخیر خود برای جامعه‌شناسان تازه نیست. طبق این ایده، مشارکت در گروه‌های اجتماعی نتایج سودمندی برای فرد و جامعه دارد. دورکیم (۱۳۶۹) به عنوان یک جامعه‌شناس کلاسیک در یک قرن پیش در کتاب **درباره تقسیم کار اجتماعی** از تاثیر قدرت اخلاقی گروه‌ها برای مهار خودخواهی‌های فردی و ایجاد همبستگی مشترک در میان اعضا سخن گفته است.

اما این که چرا قالب جدید این بحث قدیمی مورد استقبال گسترده واقع شده و کاربردهای سیاسی و اجتماعی یافته است، شاید دو عامل اصلی که سبب اهمیت یافتن بحث سرمایه اجتماعی در سیاست‌گذاری و تحقیقات علمی شده است، نخست، تأکید آن بر پیامدهای مثبت جامعه‌پذیری و دوم، قرار دادن پیامدهای مثبت سرمایه اجتماعی در چارچوب بحث سرمایه و توجه به این موضوع باشد که چگونه اشکال غیرپولی نظیر قدرت، نفوذ و شبکه‌های ارتباطی می‌توانند مانند دارایی‌ها و حساب بانکی افراد عمل کنند. بحث سرمایه اجتماعی جابجایی منابع بالقوه سرمایه را امکان پذیر می‌داند و فاصله میان جنبه‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی را می‌کاهد. این ویژگی‌ها باعث جلب نظر

## 1. Social Capital

سیاست‌گذارانی می‌شود که به دنبال راه‌حل‌های کم‌هزینه‌تر و غیراقتصادی برای مسائل اجتماعی‌اند.

### (۱) طرح مسأله

پیامدهای توسعه‌ای سرمایه اجتماعی در حوزه‌ها و سطوح مختلف مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مقاله حاضر می‌خواهد تا در تبیین میزان توسعه‌یافتگی مناطق کلان شهری به بررسی عوامل جامعه‌شناختی موثر بر آن بپردازد. کلان‌شهرها مکان زندگی و کار میلیون‌ها انسان هستند که توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی آن‌ها می‌تواند موجبات رفاه اجتماعی و بهروزی کشورها را فراهم کند. با توجه به گستردگی کالبدی و انبوهی جمعیت در کلان‌شهرها، توجه به وضعیت مناطق شهر برای برنامه‌ریزی بهتر توسعه شهری اهمیت زیادی دارد. با این وجود در کشور، تلاش‌های چندانی برای مطالعه این موضوع از منظر جامعه‌شناختی صورت نگرفته است. عمده‌ترین سؤال پژوهش این است که در قالب دیدگاه جامعه‌شناختی در مطالعات توسعه شهری، رابطه توسعه‌یافتگی مناطق کلان شهر تهران در ارتباط با میزان سرمایه اجتماعی این مناطق به چه صورت است؟ این پرسش در خود سؤال‌های دیگری نیز به همراه خواهد داشت به این شرح که سرمایه اجتماعی از چه شاخص‌هایی تشکیل شده است؟ وضعیت سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن در شهر تهران در کل و در بین مناطق چگونه است؟ وضعیت توسعه‌یافتگی مناطق تهران به چه صورت است؟ و رابطه سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن با میزان توسعه‌یافتگی مناطق چیست؟

### (۲) چارچوب نظری

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه مناطق کلان شهر تهران، نیازمند توجه به برخی موضوعات نظری است که عبارتند از ابعاد، سطوح و گونه‌های سرمایه اجتماعی که تمایز میان این موضوعات برای پرهیز از مشکلات مفهومی و روش‌شناختی بحث ضرورت دارد.

## ۲-۱) ابعاد سرمایه اجتماعی

همان‌گونه که پاکستون (Paxton, 1999) متذکر می‌شود، می‌توان سرمایه اجتماعی را متشکل از دو بعد دانست:

- پیوندهای عینی میان افراد: یعنی ساختار شبکه‌ای عینی که افراد را به یکدیگر مرتبط کند. این مولفه نشان می‌دهد که افراد در فضای اجتماعی به یکدیگر مربوطند.
  - نوع ذهنی پیوند: یعنی پیوندهای میان افراد باید دارای ویژگی خاص باشد، دوجانبه، مورد اعتماد، و مستلزم احساس مثبت (همان، ۹۳).
- پس پیامدهای مثبت سرمایه اجتماعی هنگامی وجود دارد که دو بعد متشکله آن همزمان و به میزان بسنده حاضر باشند. این موضوع را می‌توان در قالب شکل زیر که با تغییراتی از پاکستون (همان، ۹۳) آمده، نمایش داد:

شکل ۱: سرمایه اجتماعی و رابطه ابعاد آن

بعد عینی		بعد ذهنی
کم	زیاد	
اعتماد وجود دارد اما انجام تعامل با مشکل مواجه است	وجود سرمایه اجتماعی تعامل را تسهیل می‌کند	زیاد
موردی نادر	انجام تعامل نیازمند طرف سوم و ضمانت اجراهای رسمی است.	کم

تفکیک سرمایه اجتماعی به دو بعد عینی و ذهنی و لزوم پیوند میان این دو برای ایجاد پیامدهای سودمند آن از این روست که محدود کردن مفهوم به ساختارهای عینی روابط یا ذهنیات افراد، مشکلاتی را در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و اثرات آن پدید می‌آورد. ممکن است با سرمایه‌گذاری‌های دولتی نهادهایی برای گسترش روابط میان افراد یک جامعه تاسیس شود و همگان موظف به عضویت در آن شوند. اما وجود این ساختارها

بدون فراهم بودن اعتماد و هنجارهای مشوق همکاری و عمل جمعی، به تنهایی نمی‌تواند سرمایه اجتماعی را در آن جامعه تشکیل دهد. این موضوع در مورد ابعاد ذهنی سرمایه اجتماعی نیز صادق است. اگر امکانات ایجاد شبکه‌های تعامل در قالب انجمن‌های داوطلبانه نباشد، اعتماد و هنجارهای مشوق عمل جمعی، در ذهنیت افراد جامعه به شکل آرمانی غیرعملی، باقی خواهند ماند.

## ۲-۲) سطوح سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به عنوان عامل تسهیل همکاری و هماهنگی، که دستیابی به اهداف را با هزینه کمتر امکان‌پذیر می‌سازد، می‌تواند در سه سطح مطرح و مورد بررسی قرار گیرد.

### ۲-۲-۱) سطح خرد

در این سطح منافع مورد نظر است که فرد به سبب عضویت در گروه و بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی به دست می‌آورد. بورديو در چارچوب این سطح، سرمایه اجتماعی را به عنوان «حاصل جمع منابع بالفعل یا بالقوه‌ای که به مالکیت شبکه پایدار مناسبات کمابیش نهادینه شده ارتباط یا شناخت متقابل مربوطند» (Bourdieu, 1985:284) تعریف می‌کند.

### ۲-۲-۲) سطح گروهی یا میانه

سرمایه اجتماعی در کنار منافع که برای فرد دارد، می‌تواند در صورت تکرار و پابندی تمامی اعضای گروه به تعهدات خویش، منافع جمعی را پدید آورد که برای تمامی اعضای گروه قابل استفاده باشد. کلمن (۱۳۷۷) با ذکر نحوه عملکرد فروشندگان بازار عمده فروشی الماس در شهر نیویورک نمونه‌ای از این سطح سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد. او در این مثال نشان می‌دهد که چگونه تعهدات متقابل اعضای گروه و ضمانت‌های موثر برای ممانعت از خیانت در امانت موجب شده تا اموری مانند ارزشیابی الماس‌ها بدون کمترین هزینه و با اطمینان انجام گیرد و در نتیجه، همبستگی گروهی در

سطح بالایی حفظ و تداوم یابد. مثال دیگر صندوق‌های اعتبار گردش (شاه حسینی، ۱۳۸۲) هستند که بر اساس سرمایه اجتماعی گروهی فعالیت دارند.

### ۳-۲-۲) سطح اجتماعی یا کلان

وجود روابط افقی مبتنی بر اعتماد میان نهادهای مختلف جامعه منافی را تولید می‌کند که همه اعضای جامعه از آن بهره‌مند خواهند بود. از نگاه پاتنام (Putnam, 1995, 2000) سرمایه اجتماعی جامعه موجب می‌شود تا نهادهای دمکراتیک حکومتی بهتر وظایف خود را انجام دهند و از نظر فوکویاما (Fukuyama, 1995) وجود سرمایه اجتماعی، نظم اجتماعی را به طریق موثر و کارآمدی حفظ و تداوم می‌بخشد و توسعه اقتصادی را موجب می‌شود.

### ۳-۲) گونه‌های سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی بر حسب شرایط و نوع گروه یا شبکه‌ای که در آن پدید می‌آید، اثرات متفاوتی خواهد داشت. این اثرات می‌تواند به نفع جامعه باشد یا به ضرر آن عمل کند. از همین رو برخی محققین مانند پورتس (Portes, 1998) در مورد کاربرد خوش‌بینانه سرمایه اجتماعی و معرفی آن به عنوان کلید گمشده مشکلات جامعه هشدار می‌دهند. از این رو باید میان دو گونه سرمایه اجتماعی تمایز قائل شد. گونه نخست «سرمایه اجتماعی درون گروهی»<sup>۱</sup> است. این سرمایه اشاره به روابط مبتنی بر اعتماد و همکاری میان اعضای یک گروه دارد که سایر گروه‌ها برای اعضای آن غریبه محسوب می‌شوند. بنابراین منافی که در این گروه به سبب سرمایه اجتماعی حاصل می‌شود، تنها از سوی اعضای گروه و نه همگان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. این گونه سرمایه اجتماعی می‌تواند به عنوان مانعی برای توسعه و رشد عمل کند، زیرا در خدمت منافع گروهی خاص قرار می‌گیرد و موجب ایجاد تبعیض میان اعضای جامعه می‌شود. همچنین شدت روابط درون گروهی می‌تواند از

#### 1. Bonding Social Capital

آزادی‌ها، ابتکارات و انگیزه‌های پیشرفت برای اعضای گروه ممانعت کند. برای نمونه تقاضای زیاد از افراد برای رفتار در قالب ارزش‌ها و هنجارهای گروهی مانع از آزادی فردی می‌شود. یا در مثالی دیگر، انتظار کمک به سایر اعضای گروه در صورت کسب منافع مادی، می‌تواند انگیزه‌های توسعه کسب و کار را کاهش دهد.

اما گونه دوم، «سرمایه اجتماعی بین گروهی»<sup>۱</sup> نام دارد. این سرمایه اشاره به اعتماد میان گروه‌های مختلف موجود در جامعه دارد. از این رو می‌توان آن را به عنوان سرمایه اجتماعی برون گروهی نیز محسوب کرد. هر چه این میزان از سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای بالاتر باشد، امکان انجام توافقات و حل اختلافات بیشتر می‌شود. برای نمونه وارشنی (Varshney, 2000) نشان می‌دهد که چگونه وجود سرمایه اجتماعی بین گروهی از آشوب‌های مذهبی در هند جلوگیری کرده است. در سطح شهر نیز حضور این نوع سرمایه اجتماعی می‌تواند موجب افزایش توسعه اقتصادی و رشد شهر شود، زیرا با فراهم کردن فضای اعتماد، همکاری را میان گروه‌های مختلف امکان‌پذیر می‌کند. همکاری گروه‌ها و اعتماد میان آن‌ها موجب می‌شود تا منافع همگانی مانند امنیت اجتماعی، بوروکراسی کارآمد و کاهش هزینه‌های نظارت پدید آید. اما نبود این نوع از سرمایه می‌تواند موجب شکل‌گیری انزوای اجتماعی برای گروه‌های فقیر و محروم شهر شود. زمانی که افراد در محلات فقیر و با سرمایه اجتماعی بین گروهی پایین زندگی می‌کنند، فقر والدین به فرزندان آن‌ها انتقال می‌یابد و به شکل نامطلوبی بر وضعیت اقتصادی آینده آن‌ها تاثیر می‌گذارد. کیفیت و چگونگی روابط اجتماعی نیز بر توسعه آینده محلات تاثیر دارد. در صورتی که یک منطقه شهری شهرت سوئی کسب کند، افراد طبقات متوسط و بالای جامعه تمایلی برای سکونت در آن مناطق ندارند و تنها کسانی حاضر به سکونت در آن مناطق می‌شوند که فاقد درآمد کافی برای سکونت در جایی دیگر بوده یا منفعی را در وضعیت پدید آمده جستجو می‌کنند. معمولاً مناطقی که از سوی مهاجران فقیر یا تهیدستان شهری برای سکونت انتخاب می‌شوند به دلیل تکرار چرخه فقر در تله محرومیت و انزوا

## 1. Bridging Social Capital

گرفتار می‌آیند. نبود روابط میان ساکنان این مناطق با دیگر ساکنان موجب تشدید محرومیت و انزوای اجتماعی بیشتر می‌شود. بررسی‌ها نشان داده که سرمایه اجتماعی دارای «اثرات جانبی»<sup>۱</sup> برای افراد و جامعه است که اثرات مذکور می‌تواند برای جامعه مثبت یا منفی باشند. همچنین تعاملات افراد و کیفیت آن‌ها «محیطی اجتماعی»<sup>۲</sup> را پدید می‌آورد که اثر مستقیمی بر رفتار و گزینه‌های فرد خواهد داشت. «برای نمونه، انتخاب سکونت در یک محله خاص نه تنها به درآمد، آموزش، شغل، فاصله تا مدارس و مانند این‌ها بستگی ندارد، بلکه به ویژگی‌های سایر افرادی که در آن ناحیه زندگی می‌کنند، کیفیت تعاملات محله، سطح جرم و نظیر آن‌ها نیز بستگی دارد» (Iyer, et al, 2005:1018). نکته جالب توجه در ارتباط میان این دو گونه سرمایه اجتماعی این است که هرچه قوت سرمایه اجتماعی درون گروهی بیشتر باشد، امکان شکل‌گیری و حضور سرمایه اجتماعی بین گروهی کمتر می‌شود. علت در این است که تعهدات قدرتمند به گروه موجب می‌شود تا امکان اندکی برای تعامل با سایر افراد فراهم شود. اما اگر تعهدات و علائق افراد به گروه‌ها شدید نباشد، آن‌ها می‌توانند به آسانی با گروه‌های مختلف همکاری و تعامل داشته باشند. این همان نکته‌ای است که «گرانووتر» (Granovetter, 1973, 1985) آن را با عنوان «پیوندهای ضعیف»<sup>۳</sup> مورد توجه قرار داده است. بنابراین وجود میزانی مناسب از این دو گونه سرمایه اجتماعی است که می‌تواند موجب بهبود عملکرد اقتصادی و اجتماعی شود. میزان بالای «اعتماد تعمیم یافته» و «اعتماد به دیگران ناشناس»، نشان‌گرهای سرمایه اجتماعی بین گروهی هستند.

در مجموع سرمایه اجتماعی در سطح فردی فراهم آورنده «کالای خصوصی»<sup>۴</sup> است که برای سود اقتصادی یا دیگر منافع شخصی مانند موفقیت تحصیلی استفاده می‌شود. در

1. Externalities
2. Social Environment
3. Weak Ties
4. Private Goods



سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی می‌تواند مولد کالایی عمومی باشد که تمامی اعضای جامعه می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند. همچنین سرمایه اجتماعی می‌تواند تنها در خدمت منافع یک گروه خاص باشد. امری که در صورت گستردگی آن در جامعه، مانع رشد و توسعه خواهد شد. بنابراین در مطالعات شهری توجه به نوع روابط و میزان سرمایه اجتماعی مناطق مختلف شهر، اهمیت زیادی دارد. محیط اجتماعی شرایطی را پدید می‌آورد که بر سرنوشت و آینده افراد موثر است. اگر این محیط دارای اثرات جانبی مثبت باشد، مزایای حاصله می‌تواند مورد استفاده همگان قرار گیرد و اگر اثرات جانبی منفی باشند، زیان آن دامنگیر تمامی ساکنان شهر خواهد بود. از همین رو شکل‌گیری محلات و مناطق فقیر می‌تواند به عنوان یک خطر برای شهر محسوب شود. با این وجود باید توجه داشت که سرمایه اجتماعی زمانی برای توسعه شهری اثرات مثبت خواهد داشت که اثرات جانبی آن از شکل کالای خصوصی خارج و در قالب کالاهای عمومی عرضه شود. هرچه کالاهای عمومی حاصله از سرمایه اجتماعی برای شهر بیشتر باشد، اثرات توسعه‌ای سرمایه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. در شهری که اعتماد و امنیت اجتماعی به عنوان یک کالای عمومی، به میزان زیادی وجود دارد، هزینه نظارت و نهادهای مراقبتی و تنبیهی کاهش خواهد یافت و منابع آزاد شده می‌تواند صرف امور بنیادی مانند آموزش و ارتباطات شود.

#### ۲-۴) سرمایه اجتماعی و توسعه

پژوهش‌های زیادی به رابطه میان سرمایه اجتماعی و پیامدهای مثبت در حوزه‌ها و سطوح گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی توجه کرده‌اند. برای نمونه تحقیقات نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی با کارایی نهادی، افزایش سطح آموزش و رفاه کودکان، کاهش جنایت‌های خشن، کاهش نزاع و درگیری، برتری اقتصادی افراد، کاهش مرگ‌ومیر، بهبود وضع سلامت، احساس خوشبختی و اعتماد به حکومت و شکل‌گیری تشکلهای بهره‌برداری از زمین به صورت موفق و کارا رابطه مستقیم دارد (Putnam, 2000; 1997; Brehm & Rahn Azkia & Firouzabadi, 2006). از سوی دیگر سرمایه اجتماعی با

حاکمیت خوب و کارایی اقتصادی نیز رابطه مستقیمی دارد (Offe & Fuchs, 2002). همچنین سرمایه اجتماعی با تندرستی (وینسترا، ۱۳۸۴) موفقیت پروژه‌های عمرانی (مرنیسی، ۱۳۸۴) و توسعه زمین مشترک و پتانسیل کنش جمعی در روستا (Krishna & Uphoff, 2002)، توسعه اقتصادی کشور (Loh, 2003)، تسهیل موفقیت کنش (Kerry Ann, 2003)، توسعه محلی و ملی (Gerew, 2003)، کاهش مرگ و میر نوزادان و افزایش امید به زندگی (Hyatt, 2003)، مشارکت مدنی و اجتماعی (Loflin, 2003) و همچنین رشد درآمد کشورها (Knack, 2002) رابطه مستقیم دارد. رابرت پاتنام (۱۳۸۰) را می‌توان از پیشگامانی دانست که به رابطه میان توسعه منطقه‌ای و سرمایه اجتماعی توجه کرده است. او در مطالعه خود درباره مناطق کشور ایتالیا دریافت سرمایه اجتماعی می‌تواند اختلافات مناطق را از نظر توسعه اقتصادی و «عملکرد حکومتی»<sup>۱</sup> توضیح دهد. از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی به معنای ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند کارایی جامعه را با تسهیل کنش‌های هماهنگ بهبود بخشد. در حوزه مطالعات شهری نیز پاراگال، گلیگان و هوک (Grootaert & Bastelaer, 2002: 188-220) تاثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت مردم محله را در مدیریت جمع‌آوری ضایعات در مناطق مختلف شهر داکای بنگلادش بررسی کردند. آن‌ها بحث خود را با این دو پرسش محوری آغاز می‌کنند که چرا برخی از جوامع سازماندهی بهتری برای تولید کالای عمومی دارند و کدام ویژگی‌های اجتماعی سبب تعامل و همکاری در بین همسایگان می‌شود؟ آن‌ها مشاهده کردند در برخی محلات شهر که جمع‌آوری زباله به درستی صورت نمی‌گیرد، در آن ساکنان محلی با تشکیل گروهی داوطلب، با بخش خصوصی برای جمع‌آوری زباله قرارداد بسته‌اند و نتایج موفقیت‌آمیزی را کسب کرده‌اند. در پاسخ به این پرسش که «چرا برخی محلات به این موفقیت دست یافته‌اند و محلات دیگر فاقد چنین اقدامات داوطلبانه و منافع ناشی از آن بوده‌اند؟» آن‌ها علت اصلی را سرمایه اجتماعی افراد این محلات می‌دانند، سرمایه‌ای که ناشی از تعاملات و نهادهای سنتی یا مرسوم، میراث و زمینه ارزشی، قومی یا دینی مشترک است.

## 1. Government Performance

این مرور نشان می‌دهد که می‌توان از مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر مهم برای تبیین تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی میان سطوح فضایی مختلف، استفاده کرد. انتخاب سطح تحلیل بستگی به موضوعی دارد که محقق انتخاب کرده است. این سطح می‌تواند شامل کشور، منطقه، شهر یا مناطق شهری باشد. توجه به رابطه میان سرمایه اجتماعی و سطوح تحلیل گوناگون در حال افزایش است. بحثی را که آیر و همکاران (Iyer, et al. 2005) و یا پاتنام (Putnam, 1993) با بررسی علل توسعه متفاوت میان مناطق مختلف ایتالیا در سال ۱۹۹۳ آغاز کردند، ابعاد جدیدی یافته است.

### ۳) روش

در تعریف نظری، سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی جهت «کنش جمعی» تلقی می‌گردد و این منبع علاوه بر آگاهی و توجه نسبت به امور عمومی اجتماعی - سیاسی (شناخت) یعنی آگاهی که موجب علاقمندی و دل‌نگرانی است، شامل هنجارهای اعتماد (اعتماد عمومی یا تعمیم یافته و اعتماد نهادی / مدنی)، هنجارها و یا رفتارهای معامله متقابل (همیاری) که در درون شبکه‌های اجتماعی عمل می‌کنند و عناصر ساختاری شبکه‌ها و مشارکت‌های رسمی و غیررسمی می‌باشد. نتایج سرمایه اجتماعی در داخل شبکه شامل مجموعه‌ای از کنش‌های جمعی در اشکال و اندازه‌های مختلف است. بنابراین مجموعه عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی در این تحقیق در **بعد شناختی** و ذهنی، عبارتند از اعتماد عمومی، اعتماد نهادی و آگاهی و توجه به امور عمومی، سیاسی و یا اجتماعی، و در **بعد عینی**، عبارتند از مشارکت رسمی، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، مشارکت غیررسمی مذهبی و مشارکت غیررسمی همیارانه که مجموعاً هفت عنصر مفهومی سرمایه اجتماعی را شامل می‌گردند و میانگین نمره عناصر هفت‌گانه مذکور در مناطق، نمره سرمایه اجتماعی آن منطقه را تشکیل می‌دهد. در جدول زیر عمده‌ترین متغیرهای مورد نظر در متغیر وابسته سرمایه اجتماعی بررسی و تعریف عملیاتی شده‌اند.

جدول ۱: تعریف عملیاتی سرمایه اجتماعی

R	متغیر	معرف	تعریف عملیاتی
۱	آگاهی و توجه به امور عمومی	آگاهی به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی	آگاهی از دوره ریاست جمهوری که اولین انتخاب عمومی شوراهای شهر بعد از انقلاب را برگزار کرد. آگاهی از این که اعضای شورای شهر برای چه مدت انتخاب می شوند. آگاهی از مرجع رسیدگی و حل اختلافات مجلس و شورای نگهبان بر سر تصویب طرح یا لایحه ای آگاهی از چگونگی تعیین ریاست قوه قضائیه آگاهی و شناخت شهردار فعلی شهر تهران
۲	اعتماد	اعتماد عمومی	به طور کلی مردم چقدر قابل اعتماد هستند. مردم تا چه اندازه به قول و قرارهای خود عمل می کنند. مردم تا چه اندازه به حفظ و نگهداری وسایل امانت گرفته شده پایبند هستند. مردم تا چه اندازه در هنگام فروش اجناس خود حاضر به بیان عیب و نقص اجناس و کالاهای خود هستند. دوستان شما چقدر قابل اعتماد هستند.
		اعتماد نهادی	مردم تا چه اندازه به عملکرد گروه ها، اصناف و اداراتی که به طور مستقیم با آنها در ارتباط هستند، اعتماد دارند.
۳	مشارکت غیررسمی	همیارانه	این که آیا فرد در طول یک سال گذشته همسایه و دوستان خود را در انواع فعالیت های روزمره زندگی کمک کرده است.
		خیریه ای	این که فرد در انواع کمک های خیریه ای در یک سال گذشته شرکت داشته است.
		مذهبی	این که فرد در انواع مراسم و مناسک دینی شرکت دارد.
۴	مشارکت رسمی	شرکت در اتحادیه ها، انجمن ها سازمان ها و مؤسسات مدنی رسمی	شرکت و همکاری با انجمن های رسمی و نوع شرکت به لحاظ عادی، فعال و دارای مسئولیت (تمایز مشارکت رسمی با غیررسمی مشخص بودن هویت افراد از طریق ثبت نام و یا اطلاعات ثانویه و در برخی از اشکال پرداخت حق الزحمه و انتظار شرکت در جلسات دوره ای و... می باشد).

در جدول شماره ۱ مشارکت‌های خیریه‌ای مانند انواع کمک‌ها در جشن‌های نیکوکاری، عاطفه‌ها، تکریم ایتم، کمک به سالمندان، خیرات و مبرات، کمک و صدقه به مستمندان و کمک به مردم آسیب دیده گردید. مشارکت‌های مذهبی، شامل شرکت در انواع مراسم روضه، عزاداری و جشن و سرور و مجالس دینی در منزل و مسجد و مشارکت‌های همیارانه، شامل کمک به دوستان و همسایگان در یک‌سال گذشته در فعالیت‌هایی مانند گوش دادن به مسائل و مشکلات آنان، قرض دادن وسایل، کمک از طریق انجام کارهای کوچک مانند مراقبت از عضو خانواده، خرید و... پول قرض دادن، رفتن به عیادت بیماران و... بود. جالب این‌که این نوع مشارکت همیارانه بعد عملی و رفتاری هنجارهای همیارانه را شامل می‌گردد و در ایران بررسی ابعاد رفتاری از بررسی هنجارها ساده‌تر است، زیرا در بررسی هنجارهای معامله متقابل و همیاری معمولاً جواب‌ها کلیشه‌ای بوده و خوب‌ها خوب پاسخ داده می‌شود و بدها نیز طرد می‌شوند. بنابراین گویه‌های سنجش هنجارهای همیاری در این تحقیق در سنجش این متغیر موفق نبودند؛ ولی در بعد رفتاری نتایج سنجش مثبت بود. عامل سوم در سرمایه اجتماعی شامل مشارکت‌های رسمی و آگاهی و توجه نسبت به امور عمومی سیاسی - اجتماعی می‌باشد و در مشارکت‌های رسمی میزان مشارکت پاسخگو در انواع فعالیت‌های انجمنی، صنفی و... براساس نوع فعالیت عادی، فعال و دارای مسئولیت مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس عضویت و نوع آن در انواع تشکل‌های رسمی میزان مشارکت رسمی مورد سنجش قرار گرفت و آگاهی و توجه نیز با مواردی که در جدول بالا آمده است سنجیده شده است.

در تعریف عملیاتی توسعه اقتصادی - اجتماعی، برای سنجش میزان توسعه یافتگی در مناطق بیست و دو گانه شهر تهران، از شاخص‌های تحقیق معاونت شهرسازی و معماری، مطالعات جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی شهر تهران (رفیعی، ۱۳۸۲) استفاده شد. در تحقیق مذکور حاصل جمع شاخص‌های پنج‌گانه، نرخ اشتغال، هزینه ناخالص خانوار، اشتغال زنان، نسبت شاغلین به کل و نرخ رشد خانوار در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، برای بررسی میزان توسعه مناطق استفاده شده است.

**۳-۱) جامعه آماری**

با توجه به هدف و ویژگی‌های پژوهش مورد نظر، جامعه آماری یا قلمرو پژوهش به صورت زیر تعریف می‌شود: مجموعه افراد ساکن شهر تهران بزرگ با ضابطه سنی ۱۶ سال و بالاتر، جامعه آماری را تشکیل می‌دهند که با روش خوشه‌بندی متناسب با حجم تعداد ۱۷۵۹ نفر پاسخگو از ۲۲ منطقه تهران انتخاب شده‌اند.

**۳-۲) روایی ابزار**

استفاده از گویه‌ها و پرسش‌های متعدد، مسأله روایی و اعتبار داده‌ها را مطرح می‌کند. در واقع تحلیل روایی پاسخگوی این پرسش است که آیا مقیاس‌های مربوطه برای سنجش این متغیرها از ثبات و پایداری کافی بهره‌مند است و یا خیر؟ معمولاً در مطالعات اگر ضریب آلفای کرونباخ بیش از بین ۰/۵ - ۰/۶ باشد، اعتبار نسبی گویه‌ها و لذا مفهوم موردنظر را تصدیق می‌کنند. در واقع، مقدار آلفای کرونباخ نشان‌گر انسجام درونی و همسازی داخلی گویه‌ها به شمار می‌رود و برای آگاهی و توجه، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت همیارانه، مشارکت غیر رسمی مذهبی، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای و مشارکت غیر رسمی همیارانه به ترتیب ۰/۷، ۰/۶۷، ۰/۹۳، ۰/۷، ۰/۶، ۰/۷۵ و ۰/۷۸ می‌باشد.

**۴) یافته‌ها**

این مطالعه براساس اطلاعات ۱۷۵۹ نفر پاسخگو از ۲۲ منطقه تهران انجام شده است. از بین کلیه پاسخگویان ۹۷۰ نفر از پاسخگویان زن (۵۵/۱ درصد) و ۷۸۹ نفر مرد (۴۴/۹ درصد) بوده‌اند. دامنه تغییرات سن در جامعه آماری مورد بررسی بین ۱۶ تا ۸۸ سال بوده است. میانگین این توزیع سنی ۳۶/۲ سال و نشانه آن است که افراد جامعه آماری به‌طور متوسط ۳۶/۲ سال سن داشته‌اند. میانه سنی جامعه ۳۴ سال می‌باشد یعنی نیمی از جمعیت ۳۴ سال یا کمتر از آن سن دارند و نیم دیگر جمعیت ۳۴ سال یا بیش از آن سن دارند. نمای توزیع جمعیت که نشانگر بیشترین مشاهدات می‌باشد، برابر ۱۸ سال می‌باشد

و به این معناست که فراوانی پاسخگویان ۱۸ ساله بیش از سایر پاسخگویان بوده است.

#### ۴-۱) وضعیت عناصر سرمایه اجتماعی

از مجموع هفت عنصر سرمایه اجتماعی که در بر اساس تعریف این پژوهش و جدول شماره ۱ شامل آگاهی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت رسمی، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، مشارکت غیررسمی مدهبی و مشارکت غیررسمی همیارانه است وضعیت به شرح ذیل می‌باشد.

##### ۴-۱-۱) آگاهی و توجه

نسبت به حوزه عمومی اجتماعی - سیاسی از صفر تا ۸ در نوسان می‌باشد و کسی که به همه سؤالها پاسخ صحیح داده است بالاترین امتیاز، یعنی ۸ را کسب نموده است. میانگین پاسخ‌های صحیح به سؤالها ۴/۸۳ بوده است و میانه آن ۴ بوده است و بیشترین فراوانی پاسخها نیز در بین کسانی بوده که نمره ۸ را کسب نموده‌اند. درصد نمره آگاهی پاسخگویان از ۰، ۲، ۴، ۶ و ۸ به ترتیب، ۸/۶، ۱۹/۴، ۹/۴، ۲۰/۲۴، ۲۸/۸ درصد می‌باشد.

##### ۴-۱-۲) اعتماد عمومی

اعتماد عمومی نیز مجموعاً از ۰ تا ۸ امتیاز را شامل می‌گردد که عدد صفر کمترین و هشت بیشترین میزان اعتماد را نشان می‌دهد. میانگین پاسخها حدود ۳/۶۳ بوده است که در قسمت متوسط می‌افتد و میانه پاسخها نیز عدد ۴ بوده و بیشترین فراوانی نمره اعتماد عمومی عدد ۴ می‌باشد. درصد نمره اعتماد برای ۰، ۲، ۴، ۶ و ۸ به ترتیب ۱/۷، ۲۷/۶، ۵۸/۳ و ۱۲/۳ و ۰/۱ درصد می‌باشد.

##### ۴-۱-۳) اعتماد نهادی

میزان اعتماد نهادی نیز از سنجش اعتماد مردم نسبت به گروهها، اصناف و ادارات نمره از

۰ تا ۸ را شامل می‌گردد که بالاترین میزان اعتماد نهادی عدد ۸ می‌باشد. میانگین اعتماد نهادی ۴/۰۵ می‌باشد و میانه آن نیز ۴ است. در ضمن بیشترین فراوانی نمره اعتماد نهادی به کسانی که نمره ۴ دارند تعلق دارد. درصد پاسخگویان با نمره‌های ۰، ۲، ۴، ۶ و ۸ به ترتیب ۱، ۲۵/۵، ۴۷/۴، ۲۲ و ۴/۱ درصد می‌باشد.

#### ۴-۱-۴) مشارکت رسمی

مشارکت رسمی از طریق همکاری عادی، فعال و دارای مسئولیت که درجه یک تا سه را به خود اختصاص می‌دهد در انواع انجمن‌ها در مجموع وضعیت مشارکت رسمی نمره‌ای از صفر تا شماره ۸ را به خود اختصاص داده است که از مشارکت صفر تا بالاترین میزان مشارکت رسمی یعنی ۸ را شامل می‌گردد. میانگین مشارکت در کل جامعه پاسخگویان ۲ بوده است و بسیار پایین می‌باشد و میانه و نمای مشارکت رسمی نیز صفر است. در ضمن ۵۳/۴ درصد جمعیت در هیچ مشارکت رسمی، حضور ندارند و درصد مشارکت‌های با نمره ۰، ۲، ۴، ۶ و ۸ به ترتیب ۱۷/۲، ۱۱/۹، ۱۰/۳ و ۷/۲ درصد می‌باشد. مشارکت‌های غیررسمی از یک طبقه‌بندی سه‌گانه برخوردار است و نوعاً فعالیت در این‌گونه مشارکت‌ها، همان‌گونه که از نامشان پیداست، به صورت رسمی صورت نمی‌گیرد و در این مطالعه به سه نوع خیریه‌ای، مذهبی و همیارانه تقسیم شده است.

#### ۴-۱-۵) مشارکت غیررسمی خیریه‌ای

از بررسی کمک‌های خیریه‌ای افراد در یک سال گذشته به دست آمده است و براساس انواع کمک‌ها، فرد امتیاز گرفته است و براساس شرکت در فعالیت‌های خیریه‌ای از صفر تا ۸ درجه‌بندی شده است. میانگین مشارکت خیریه‌ای در پاسخگویان ۴/۸ بوده است و میانه مشارکت غیررسمی خیریه‌ای ۴ است و بیشترین فراوانی مشارکت غیررسمی خیریه‌ای مربوط به امتیاز ۴ بوده است. درصد پاسخگویان براساس نمره مشارکت‌های غیررسمی ۰، ۲، ۴، ۶ و ۸ به ترتیب ۳/۲، ۲۰/۳، ۳۱/۸، ۲۸/۳ و ۱۶/۳ درصد می‌باشد.



#### ۴-۱-۶) مشارکت غیررسمی مذهبی

براساس حضور فرد در فعالیت‌های مذهبی از صفر تا ۸ امتیاز گرفته است. میانگین مشارکت‌های غیررسمی خیریه‌ای نیز ۴/۷۴ می‌باشد و میانه آن ۴ است و بالاترین فراوانی حضور در مشارکت‌های فوق به امتیاز ۴ تعلق داشت. درصد پاسخگویان بر اساس نمره‌های مشارکتی آن‌ها ۰، ۲، ۴، ۶ و ۸ به ترتیب ۳/۷، ۲۳/۸، ۵۹/۹، ۲۴/۵ و ۲۲/۱ درصد می‌باشد.

#### ۴-۱-۷) مشارکت غیررسمی همیارانه

این مشارکت، بعد عملی هنجارهای همیارانه را شامل می‌گردد و سنجۀ دقیق‌تری نسبت به هنجار همیاری است. مشارکت غیررسمی همیارانه نیز از صفر تا ۸ می‌باشد و میانگین این مشارکت ۵/۲ بوده است و میانه آن ۶ می‌باشد و بالاترین فراوانی، در انجام همیاری به نمره ۶ اختصاص دارد. درصد پاسخگویان بر اساس نمره مشارکت آن‌ها ۰، ۲، ۴، ۶ و ۸ عبارت است از ۰، ۱۷/۴، ۲۸/۸، ۳۰/۲ و ۲۳/۶ درصد.

#### ۴-۲) سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، طبق مدل نظری بحث از میانگین مجموع نمره فرد در عناصر هفت‌گانه فوق یعنی آگاهی و توجه، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت رسمی و مشارکت‌های غیررسمی خیریه‌ای، مذهبی و همیارانه به‌دست آمده است و نمره آن از شماره ۰ تا ۸ می‌باشد. براساس نتایج تحقیق میانگین نمره سرمایه اجتماعی افراد ۴/۷۸ است و میانه آن نیز ۴ می‌باشد. در ضمن بیشترین فراوانی نمره سرمایه اجتماعی افراد به نمره ۴ تعلق دارد.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب نمره سرمایه اجتماعی

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	سرمایه اجتماعی
-	-	-	۰
۴/۷	۴/۷	۸۲	۲
۵۹	۵۴/۳	۹۴۸	۴
۹۷/۱	۳۸/۱	۶۶۵	۶
۱۰۰	۲/۹	۵۱	۸
	۱۰۰	۱۷۵۹	مجموع

در جدول شماره ۳ نمره عناصر هفت گانه سرمایه اجتماعی و خود سرمایه اجتماعی کل به تفکیک مناطق آمده است.

جدول ۳: میانگین نمره سرمایه اجتماعی و عناصر مفهومی آن به تفکیک مناطق

سرمایه اجتماعی	مشارکت غیررسمی همیارانه	مشارکت غیررسمی مذهبی	مشارکت غیررسمی خیریه‌ای	مشارکت رسمی	آگاهی و توجه	اعتماد نهادی	اعتماد عمومی	میانگین در مناطق
۴/۰۰۷۹	۵/۷۸۹۵	۴/۸۳۳۳	۴/۸۵۴۲	۲/۰۴۱۷	۴/۹۷۷۸	۳/۰۶۷۷	۲/۸۶۲۵	۱
۳/۹۸۶۳	۵/۵۶۰۰	۵/۰۴۸۵	۵/۳۲۰۴	۲/۲۳۳۰	۴/۶۸۰۰	۲/۷۳۸۶	۲/۶۴۸۵	۲
۴/۲۷۸۸	۵/۵۲۷۸	۴/۷۸۸۷	۵/۱۵۰۷	۳/۳۹۷۳	۵/۵۰۷۲	۳/۰۷۸۷	۳/۰۵۲۱	۳
۳/۹۳۱۶	۵/۸۱۲۵	۴/۹۸۴۶	۴/۸۸۲۱	۲/۲۹۵۹	۴/۶۴۳۳	۳/۰۰۱۷	۲/۷۰۸۲	۴
۳/۳۵۲۷	۴/۲۲۲۲	۳/۰۲۹۴	۳/۱۴۷۱	۱/۲۹۴۱	۵/۲۶۴۷	۴/۰۶۸۶	۳/۳۱۱۸	۵
۳/۹۷۵۶	۴/۰۰۰۰	۳/۵۱۲۲	۳/۷۰۷۳	۳/۲۱۹۵	۵/۴۸۷۲	۴/۷۰۷۳	۳/۷۵۶۱	۶
۳/۳۱۸۳	۴/۹۰۹۱	۴/۰۰۰۰	۴/۱۶۱۳	۱/۱۶۱۳	۴/۷۵۸۶	۲/۲۲۲۲	۳/۰۴۶۷	۷
۳/۵۱۳۹	۴/۶۵۷۵	۳/۸۱۸۲	۴/۸۸۳۱	۱/۰۰۰۰	۵/۲۳۲۹	۲/۵۶۹۸	۳/۴۰۰۰	۸

ادامه جدول ۳

۳/۷۰۰۲	۵/۴۴۰۰	۵/۳۸۷۸	۵/۳۲۰۰	۱/۴۴۰۰	۳/۱۳۶۴	۳/۲۵۳۳	۲/۴۰۸۰	۹
۳/۴۸۲۲	۴/۰۰۰۰	۳/۵۸۶۲	۳/۷۲۴۱	۲/۴۴۸۳	۴/۷۰۵۹	۳/۶۱۰۱	۳/۲۰۰۰	۱۰
۳/۱۱۳۰	۳/۵۲۶۳	۲/۶۸۲۹	۲/۵۸۵۴	۲/۸۷۸۰	۴/۲۵۸۱	۳/۲۴۵۸	۳/۹۹۰۲	۱۱
۳/۸۰۶۱	۵/۰۰۰۰	۴/۹۸۰۴	۴/۵۸۸۲	۲/۰۰۰۰	۴/۷۹۱۷	۳/۳۸۳۳	۲/۵۴۱۲	۱۲
۴/۳۶۷۴	۵/۵۳۱۹	۵/۳۰۶۱	۶/۰۰۰۰	۳/۰۲۰۴	۵/۵۳۴۹	۳/۴۸۶۴	۲/۵۹۵۹	۱۳
۴/۰۴۳۳	۵/۱۴۷۹	۴/۳۳۱۴	۴/۰۴۷۳	۲/۱۰۶۵	۵/۳۴۱۵	۴/۵۴۲۴	۲/۹۴۴۴	۱۴
۳/۵۵۵۶	۵/۱۰۹۶	۵/۶۴۲۴	۵/۱۲۵۸	۱/۲۱۸۵	۴/۶۶۰۲	۲/۲۹۴۶	۲/۶۲۵۲	۱۵
۳/۸۲۳۱	۵/۴۶۲۷	۵/۵۵۲۲	۵/۴۵۴۵	۱/۸۲۰۹	۴/۴۱۶۷	۲/۹۲۲۹	۲/۴۶۵۷	۱۶
۳/۷۳۵۳	۶/۱۹۱۵	۴/۵۲۶۳	۵/۰۷۳۷	۱/۸۹۴۷	۴/۳۵۹۰	۲/۳۰۴۳	۲/۷۱۵۸	۱۷
۳/۲۹۸۶	۳/۷۶۹۲	۴/۷۹۰۱	۳/۵۰۶۲	۱/۱۱۱۱	۴/۳۲۲۶	۳/۸۴۳۷	۲/۹۴۸۱	۱۸
۴/۴۹۱۶	۵/۹۳۸۵	۶/۱۸۱۸	۵/۷۵۷۶	۲/۱۸۱۸	۵/۶۸۹۷	۳/۶۷۱۷	۲/۸۰۰۰	۱۹
۳/۹۵۸۷	۵/۴۹۵۷	۵/۵۹۶۶	۵/۱۰۹۲	۲/۸۷۳۹	۴/۷۳۲۷	۲/۴۸۷۸	۲/۵۲۴۴	۲۰
۳/۲۵۶۶	۳/۶۰۰۰	۴/۵۸۸۲	۳/۴۱۱۸	۱/۲۹۴۱	۴/۴۰۰۰	۳/۵۴۹۰	۲/۸۹۴۱	۲۱
۳/۹۵۹۲	۶/۱۲۵۰	۴/۶۲۵۰	۵/۳۷۵۰	۱/۶۲۵۰	۴/۳۷۵۰	۳/۳۶۴۶	۲/۲۲۵۰	۲۲
۳/۸۱۰۲	۵/۲۱۰۵	۴/۷۵۵۵	۴/۶۸۶۹	۲/۰۲۷۵	۴/۸۴۸۴	۳/۱۸۲۷	۲/۸۵۳۷	میانگین کل

### ۳-۴) سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی

با تقسیم مناطق ۲۲ گانه تهران به لحاظ وضعیت توسعه اقتصادی - اجتماعی براساس میانگین مجموع نمره هر منطقه از حاصل جمع شاخص‌های پنج‌گانه، نرخ اشتغال، هزینه ناخالص خانوار، اشتغال زنان، نسبت شاغلین به کل و نرخ رشد خانوار در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، شاخص توسعه مناطق به دست آمده است که براساس نمره شاخص توسعه

یافتگی مناطق به پهنه‌بندی سه‌گانه توسعه‌ای تهران پرداخته شده است و مناطق ۲۲گانه تهران را در سه پهنه توسعه‌ای پایین (مناطق ۱۲، ۱۸، ۹، ۱۷، ۱۶، ۱۹ و ۱۰)، متوسط (مناطق ۷، ۱۴، ۲۰، ۱۵، ۱۱، ۲۱ و ۱۳) و بالا (مناطق ۲۲، ۶، ۴، ۵، ۱، ۲، ۳) تقسیم نمودیم و با بهره‌گیری از «تجزیه واریانس یک‌طرفه» به این نتیجه رسیدیم که سرمایه اجتماعی در مناطق توسعه‌ای بالا به‌طور معناداری از مناطق متوسط و پایین بیشتر است. این یافته وجود رابطه مثبت میان سرمایه اجتماعی و توسعه یافتگی را در سطح مناطق شهر تهران نشان می‌دهد.

در بین عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی و مشارکت‌های غیررسمی خیریه‌ای در هیچ یک از پهنه‌های توسعه‌ای سه‌گانه مذکور تفاوت معناداری ندارند. با این وجود اعتماد عمومی در مناطق توسعه‌ای پایین به‌طور معناداری از مناطق متوسط و بالا کمتر می‌باشد. این یافته نیز می‌تواند مویید چارچوب نظری تحقیق مبنی بر اهمیت توجه به انواع سرمایه اجتماعی و سودمندی نوع برون گروهی آن برای توسعه شهری باشد. به عبارت دیگر توانایی اعتماد و همکاری با دیگرانی که عضو گروه‌های دیگری غیر از گروه اصلی شخص هستند، دستیابی به سودمندی‌های ناشی از سرمایه اجتماعی همانند اطلاعات، فرصت‌های شغلی و دسترسی به افراد مهم در سازمان‌ها و نهادهای اداری را تسهیل می‌کند. در مقابل میزان پایین سرمایه اجتماعی بین گروهی که در این تحقیق در قالب اعتماد عمومی پایین بررسی شده، می‌تواند موجب انزوای اجتماعی و غلبه چرخه فقر و توسعه‌نیافتگی بر منطقه شهری شود.

آگاهی و توجه نیز به عنوان یکی از عناصر مهم سرمایه اجتماعی در مناطق در سطح توسعه‌ای پایین، به طور معناداری از مناطق متوسط و بالا کمتر می‌باشد. این یافته نشان می‌دهد که ساکنان مناطق کمتر توسعه یافته با علاقه کمتری امور عمومی جامعه را دنبال می‌کنند. امری که موجب می‌شود تا آن‌ها اطلاعات کمتری نسبت به جریان امور داشته و نتوانند به اندازه کافی از فرصت‌هایی که جامعه برای ترقی و پیشرفت ایجاد می‌کند، استفاده ببرند.

در مقایسه با مناطق توسعه‌ای متوسط و پایین، میزان مشارکت رسمی در مناطق

توسعه‌ای بالا به‌طور معناداری بیشتر است. به عبارت دیگر کسانی که در مناطق توسعه یافته زندگی می‌کنند فعالیت بیشتری را در نهادهای رسمی مشارکتی، مانند سازمان‌های غیردولتی و اتحادیه‌ها داشته‌اند. این یافته نشان می‌دهد که این افراد می‌توانند با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی به پی‌گیری خواسته و منافع خود با تشکیل گروه‌های داوطلبانه جمعی، اقدام کنند، راهبردی که امکان موفقیت آن در مقایسه با اقدامات فردی و پراکنده بسیار بیشتر است. اما در مقایسه با آنان، ساکنان مناطق کمتر توسعه یافته توانایی کمتری در تشکیل انجمن‌های رسمی داشته‌اند و به همین سبب فاقد ابزارهای پی‌گیری و تحقق خواسته‌ها و مطالبات خود به‌طور موثر می‌باشند. این تفاوت می‌تواند تبیین‌گر تمایلات سیاسی و اجتماعی ساکنان مناطق فقیر شهری باشد که عموماً به دلیل سازمان‌نیافتگی تخصصی و صنفی، مجذوب شعارهای عام و پوپولیستی می‌شوند و می‌توانند اهداف مطلوبی برای آن دسته از گروه‌های سیاسی باشند که منافع خود را در قالب طرح آن شعارها دنبال می‌کنند. این موضوع، مورد تایید یافته دیگر این مقاله، یعنی بالاتر بودن میزان مشارکت غیررسمی مذهبی در مناطق کمتر توسعه یافته نسبت به سایر مناطق می‌باشد. در نبود سازوکارهای ایجاد کنش‌های جمعی تخصصی و حرفه‌ای، ایجاد کنش جمعی بیشتر از سوی نهادهای عام جامعه مانند نهاد مذهب، امکان‌پذیر است و این نهاد است که توانایی بسیج و هدایت توده‌های محروم از سازوکارهای رسمی کنش جمعی را بر عهده دارد. از سوی دیگر، این وضعیت بیانگر توان نهادهای مذهبی در پی‌گیری اهداف توسعه‌ای برای مناطق محروم و کمتر توسعه یافته است. اگر تنها امکان ایجاد کنش جمعی از طریق نهاد مذهب است، آنگاه کارگزاران توسعه محلی و برنامه‌ریزان شهری باید در سیاست‌ها و برنامه‌های خود به این منبع اجتماعی در مناطق کمتر توسعه یافته، توجه ویژه داشته باشند.

جدول ۴: تجزیه واریانس یک طرفه سرمایه اجتماعی بر اساس سطح توسعه یافتگی مناطق

معناداری	خطای استاندارد	اختلاف میانگین		
/۰۳۱ /۰۴۰	/۰۷۲۵۹ /۰۷۴۷۷	-/۱۵۶۶ -/۱۵۳۶	متوسط	پایین
			بالا	
/۰۳۱ /۹۶۵	/۰۷۲۵۹ /۰۶۷۹۰	/۱۵۶۶ /۰۰۳۰	پایین	اعتماد عمومی
			متوسط	
/۰۴۰ /۹۶۵	/۰۷۴۷۷ /۰۶۷۹۰	/۱۵۳۶ -/۰۰۳۰	پایین	بالا
			متوسط	
/۱۷۷ /۹۴۲	/۰۹۷۰۱ /۰۹۹۴۳	/۱۳۰۹ /۰۰۷۳	متوسط	اعتماد نهادی
			پایین	
/۱۷۷ /۱۷۳	/۰۹۷۰۱ /۰۹۰۶۴	-/۱۳۰۹ -/۱۲۳۷	پایین	متوسط
			بالا	
/۹۴۲ /۱۷۳	/۰۹۹۴۳ /۰۹۰۶۴	-/۰۰۷۳ /۱۲۳۷	پایین	بالا
			متوسط	
/۰۰۷ /۰۱۵	/۱۷۱۳۳ /۱۷۳۴۷	-/۴۶۰۳ -/۴۲۱۰	متوسط	آگاهی و توجه
			پایین	
/۰۰۷ /۸۰۰	/۱۷۱۳۳ /۱۵۵۲۹	/۴۶۰۳ /۰۳۹۳	پایین	متوسط
			بالا	
/۰۱۵ /۸۰۰	/۱۷۳۴۷ /۱۵۵۲۹	/۴۲۱۰ -/۰۳۹۳	پایین	بالا
			متوسط	
/۵۰۹ /۰۰۳	/۱۵۶۹۸ /۱۶۱۸۹	-/۱۰۳۷ -/۴۸۹۸	متوسط	مشارکت رسمی
			پایین	
/۵۰۹ /۰۰۹	/۱۵۶۹۸ /۱۴۶۸۱	/۱۰۳۷ -/۳۸۶۱	پایین	متوسط
			بالا	

ادامه جدول ۴

۰۰۳ /	۱۶۱۸۹ /	۴۸۹۸ /	پایین	بالا	
۰۰۹ /	۱۴۶۸۱ /	۳۸۶۱ /	متوسط		
۲۵۲ /	۱۲۹۰۱ /	۱۴۷۸ /	متوسط	پایین	مشارکت غیررسمی خبریه‌ای
۷۷۳ /	۱۳۳۰۵ /	۰۳۸۴ /	بالا		
۲۵۲ /	۱۲۹۰۱ /	-۱۴۷۸ /	پایین	متوسط	
۳۶۵ /	۱۲۰۶۴ /	-۱۰۹۴ /	بالا		
۷۷۳ /	۱۳۳۰۵ /	-۰۳۸۴ /	پایین	بالا	
۳۶۵ /	۱۲۰۶۴ /	۱۰۹۴ /	متوسط		
۰۸۰ /	۱۴۰۵۴ /	۲۴۶۵ /	متوسط	پایین	مشارکت غیررسمی مذهبی
۰۱۲ /	۱۴۵۰۶ /	۳۶۶۳ /	بالا		
۰۸۰ /	۱۴۰۵۴ /	-۲۴۶۵ /	پایین	متوسط	
۳۶۳ /	۱۳۱۵۴ /	۱۱۹۸ /	بالا		
۰۱۲ /	۱۴۵۰۶ /	-۳۶۶۳ /	پایین	بالا	
۳۶۳ /	۱۳۱۵۴ /	-۱۱۹۸ /	متوسط		
۲۶۴ /	۱۲۵۰۰ /	۱۳۹۸ /	متوسط	پایین	مشارکت غیررسمی همیارانه
۰۲۰ /	۱۲۹۰۵ /	-۲۹۹۷ /	بالا		
۲۶۴ /	۱۲۵۰۰ /	-۱۳۹۸ /	پایین	متوسط	
۰۰۰ /	۱۱۷۶۳ /	-۴۳۹۵ /	بالا		
۰۲۰ /	۱۲۹۰۵ /	۲۹۹۷ /	پایین	بالا	
۰۰۰ /	۱۱۷۶۳ /	۴۳۹۵ /	متوسط		
۹۰۶ /	۰۶۷۳۰ /	۰۰۷۹ /	متوسط	پایین	سرمایه اجتماعی
۰۰۹ /	۰۶۹۴۰ /	-۱۸۲۰ /	بالا		
۹۰۶ /	۰۶۷۳۰ /	-۰۰۷۹ /	پایین	متوسط	
۰۰۳ /	۰۶۲۹۴ /	-۱۹۰۰ /	بالا		
۰۰۹ /	۰۶۹۴۰ /	۱۸۲۰ /	پایین	بالا	
۰۰۳ /	۰۶۲۹۴ /	۱۹۰۰ /	متوسط		

**(۵) بحث و نتیجه‌گیری**

سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر یکی از مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده سطح توسعه و رفاه جوامع و توسعه محلی در سطوح گوناگون بوده و مورد توجه خاص سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بوده است. به زعم پاتنام منابع سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها معمولاً خود تقویت‌کننده و خود افزایش‌دهنده هستند دور باز تولیدکننده فضایل، به تعادل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه جمعی منجر می‌شود. برعکس، فقدان این ویژگی‌ها در جوامع غیرمدنی نیز خصیصه خود تقویت‌کننده دارد. عهد شکنی، بی‌اعتمادی، فریب و حيله، بهره‌کشی، انزوا، بی‌نظمی و رکود یکدیگر را در یک جو خفقان‌آور دورهای باطل تشدید می‌کنند. پاتنام در بحث تقدم و تأخر سه عامل مذکور که منابع سرمایه اجتماعی را می‌سازند معتقد است «اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل، شبکه‌های مشارکت مدنی و همکاری موفقیت آمیز متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. وجود نهادهای همکاری جویانه کارآمد مستلزم مهارت‌ها و اعتماد بین اشخاص می‌باشد اما آن مهارت‌ها و این اعتماد نیز به نوبه خود به وسیله همکاری سازمان‌یافته تلقین و تقویت می‌شوند. هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی، به رفاه اقتصادی - اجتماعی کمک می‌نمایند و به نوبه خود نیز توسط این رفاه تقویت می‌شوند» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۹). پاتنام به یک نوع «تحلیل تعادلی» به جای تحلیل خطی در رابطه این سه عنصر با یکدیگر معتقد است.

در مقاله حاضر رابطه سرمایه اجتماعی و وضعیت توسعه اقتصادی - اجتماعی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران نیز بر همین اساس مطالعه شده است. در این مطالعه، رابطه مثبت میان سرمایه اجتماعی و توسعه‌یافتگی مورد تایید قرار گرفت. با این وجود برخی تفاوت‌ها در انواع سرمایه اجتماعی در مناطق قابل توجه بود. برای نمونه میزان سرمایه اجتماعی اتصالی یا برون‌گروهي در مناطق توسعه یافته‌تر نسبت به مناطق کمتر توسعه یافته، بیشتر بود. همچنین مقاله نشان داد که سازوکارهای انجام‌کنش جمعی در مناطق با یکدیگر تفاوت دارد. در حالی که مناطق توسعه‌یافته‌تر از سازوکارهای رسمی برای این منظور استفاده



می‌کنند، در مناطق کمتر توسعه یافته انجام کنش جمعی نیازمند نهادهای اجتماعی غیررسمی است که بالاتر بودن میزان مشارکت‌های غیررسمی مذهبی در این مناطق گواهی بر این موضوع است. در مجموع مطالعه بیان می‌کند که در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های شهری باید به نقش و تاثیر عوامل اجتماعی توجه کرد. از این رو انزوای اجتماعی مناطق شهری و میزان کمتر اعتماد برون گروهی آن‌ها می‌تواند به منزله هشدار برای سلامتی و پایداری شهر تلقی شود. همچنین در سیاست‌ها و برنامه‌های جلب مشارکت شهروندان باید به سازوکارهای مولد کنش جمعی و تفاوت میان آن‌ها بر اساس توسعه یافتگی مناطق توجه داشت. در مناطق توسعه یافته می‌توان بیشتر از سازوکارهای رسمی در قالب انجمن‌ها و تشکل‌ها، استفاده کرد. اما در مناطق کمتر توسعه یافته و محروم باید از توان نهادهای مذهبی برای این منظور بهره گرفت. اهمیت عوامل جامعه‌شناختی در موضوعات شهری، توجه بیشتر به مطالعات جامعه‌شناختی را برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بهتر در جهت توسعه مناطق شهری، ضروری می‌سازد.

در این پژوهش بین مشارکت‌های رسمی و غیررسمی همبستگی‌های معناداری ملاحظه شد و این موضوع لزوم توجه به عرصه‌های عمومی این دو نوع مشارکت را در جهت تقویت یکدیگر ضروری می‌سازد. ضمن این‌که مشارکت‌های غیررسمی خیره‌ای و اعتماد نهادی در مناطق به لحاظ توسعه یافته متفاوت اختلاف معناداری نداشت سایر عناصر سرمایه اجتماعی براساس سطح توسعه مناطق به طور معناداری از میزان بالاتری برخوردار بود و فقط مشارکت‌های غیررسمی مذهبی در مناطق کمتر توسعه یافته به گونه معناداری بیشتر بود که می‌توان از بستر و حوزه عمومی نهادهای مذهبی در جهت رشد و تقویت سایر انواع مشارکت‌های رسمی و غیررسمی و اعتماد عمومی در مناطق کمتر توسعه یافته بهره جست.

- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی* (ترجمه محمدتقی دلفروز)، تهران، انتشارات روزنامه سلام.
- دورکیم امیل. (۱۳۶۹)، *درباره تقسیم کار اجتماعی* (ترجمه باقر پرهام)، بابل، کتابسرای بابل.
- رفیعی، مینو. (۱۳۷۱)، *عوامل مؤثر بر قیمت زمین مسکونی در مناطق مختلف شهری، شهرهای جدید فرهنگی جدید در شهرنشینی، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.*
- رفیعی، مینو. (۱۳۸۲)، *بررسی مسائل توسعه شهری شناخت مقدماتی منطقه، مبحث پنجم، مطالعات جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی، تهران، معاونت شهرسازی و معماری، مشاور استان، ویرایش سوم.*
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی* (ترجمه منوچهر صبوری)، تهران، نشر نی.
- مرنیسی، فاطمه. (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی در عمل: مورد انجمن روستای ایت ایکتل (نقدی بر همبستگی سنتی در کشور مراکش)*، چاپ شده در: *تاجبخش، کیان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه* (ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان)، تهران، شیرازه.
- وینسترا، گری. (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی، تندرستی و نابرابری*، در: *تاجبخش، کیان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه* (ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان)، تهران، شیرازه.
- شاه حسینی، ماهرو. (۱۳۸۲)، *مطالعه و بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی در عملکرد انجمن‌های اعتبار گردشی زنان در تهران در سال ۱۳۸۱*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- Azkia, Mostafa & Firouzabadi, Seyed Ahmad. (2006), **The Role of Social Capital in Creation of Rural Production Associations: A Case Study of Karkheh Dam Watershed Basin**, Critique Critical Middle Eastern Studies, Vol. 15, Number 3.
- Beugelsdijk S, & Van Schaik T. (2005), **Differences in Social Capital between 54 Western European Regions**, Regional Studies 39.
- Bourdiue P. (1985), **The Forms of Capital**. In Handbook of theory and

- Research for the Sociology of Education, (ed.), JG Richardson. New York, Greenwood.
- Brehm, John & Rahn Wandy. (1997), **Individual-Level Evidence for the Causes and Consequences of Social Capital**, American Journal of Political Science, volume 41, Issue 3 (Jul.,1997).
  - Fukuyama, Francis. (1995), **Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity**. New York, Free Press.
  - Glaeser, Edward L. (2001), **The Formation of Social Capital, Organisation for Economic Co-operation and Development**, available at: <[www.oecd.org/dataoecd/5/17/1824983.pdf](http://www.oecd.org/dataoecd/5/17/1824983.pdf)>
  - Granovetter M. (1973), **The Strength of Weak Ties**, American Journal of Sociology 78.
  - Granovetter M. (1985), **Economic Action, Social Structure, and Embeddedness**, American Journal of Sociology 91.
  - Grewe, Nicole Renay. (2003), **Social Capital and Local Development: An Exploration of Three Forms of Community-based Social Capital (Iowa)**, Iowa State University.
  - Grootaert, C and Bastelaer, T. (2002), **The Role of Social Capital in Development**, Cambridge Univ. Press.
  - Hyatt, Raymond Russell. (2003), **Social Capital, Inequality, and Well-being in the International Neighborhood**, Brown University.
  - Iyer S., Kiston M. & Toh B. (2005), **Social Capital, Economic Growth and Regional Development**. Regional Studies 39.
  - Kerry Ann, Agnitsch. (2003), **Locating Community Social Capital: A study of Social Networks and Community Action**, Iowa State University.
  - Knack, S. (2002), **Social Capital, Growth and Poverty: a Survey of Cross Country Evidence**, In Grootaert, C & Bastelaer, T. (2002), **The Role of Social Capital in Development**, Cambridge Univ. Press.
  - Krishna, A & Uphoff, N. (2002), **Mapping and Measuring Social Capital through Assesment of Collective Action to Conserve and Develop Watersheds in Rajasthan, India**. In Grootaert, C & Bastelaer, T. (2002), The

- Role of Social Capital in Development, Cambridge Univ. Press.
- Levi, M. (1996), **Social and Unsocial Capital: a Review Essay of Robert Putnam's Making Democracy Work**, Politics and Society, vol. 24, No. 1.
  - Loh, Joopin. (2003), **Social Capital and Economic Development: A cross-national Study of Social Capital, Trust, Civic Engagement, and Economic Growth of 38 Countries**, 1990-1998, The University of Alabama.
  - Loflin, Katherine Torres. (2003), **Bonding and Bridging Social Capital and their Relationship to Community and Political Civic Engagement**, The University of North Carolina at Chapel Hill.
  - Offe, Claus & Fuchs, Susanne. (2002), **A Decline of Social Capital ? The German Case**, In Putnam, Robert D. (2002), **Democracy in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society**, New York, Oxford University Press.
  - Paxton, P. (1999), **Is Social Capital Declining in the United States? A multiple Indicator Assessment**, American Journal of Sociology, Vol. 105, No. 1.
  - Portes, Alejandro. (1998), **Social Capital: Its Origins and Application in Contemporary Sociology**. Annual Review of Sociology.
  - Putnam R. (1993), **Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy**. Princeton, NJ, Princeton University Press.
  - \_\_\_\_\_. (2000), **Bowling Alone: The Collapse and Revival of American community**, New York, Touchstone.
  - \_\_\_\_\_. (1995), **Bowling Alone: America's Declining Social Capital**. Journal of Democracy 6.
  - Varshney A. (2000), **Ethnic Conflicts and Civic Life: Hindus and Muslims in India**. Yale University Press, New Haven, CT.